

39

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 12384

Date of filing: 22-Jan-88

** AWARD - Type of Award Partial Award
 - Date of Award 22-Jan-88
 _____ pages in English 3 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

39

دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحده

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
PARTIAL AWARD

Cases Nos. 227 and 12384
Chamber Three

پرونده‌های شماره ۲۲۷ و ۱۲۳۸۴

شعبه سه

حکم شماره ۳-۲۲۷-۱۲۳۸۴-۲۲۹

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داورى دعاوى ایران-ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	22 JAN 1988 ۱۳۶۶ / ۱۱ / ۲
No.	12384

English version Filed on 11 NOV 87 ۲۰ آبان ۶۶	نسخه انگلیسی ثبت شده است.
---	------------------------------

پرونده شماره ۲۲۷

ایستمن کداک کامپنی،

ایستمن کداک اینترنشنال سیلز کامپنی، و

کداک (نیرایست) اینک،

خواهانها،

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

- و -

دولت ایران،

شرکت خدمات فتوگرافی رنگیران (سهامی خاص)،

بانک ملی،

بانک سپه،

بانک تجارت، و

بانک مرکزی ایران،

خوانندگان.

بیرونده شماره ۱۲۳۸۴

ایستمن کداک اینترنشنال کیپیتال کامپنی، اینکورپوریتد،

ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار، مطروح توسط

دولت ایالات متحده امریکا،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

حکم جزئی

حاضران:

از جانب خواهانها: آقای رابرت ج. کتز،

آقای مایکل اس. استراوس،

وکلاي خواهانها،

آقای مایکل اف. رابوین،

قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده امریکا

و طرح کننده دعوی.

از جانب خواندگان: آقای محمد کریم اشراق،

نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

خانم دکتر افتخار[السادات] میروهابی،

دکتر احمد هاشمی،

مشاوران حقوقی نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

آقای محسن آزاده،

دستیار مشاوران حقوقی،

آقای عبدالحمید شیری،

نماینده هیئت تصفیه رنگیران،

آقای حسین علی فرزاد،

دستیار نماینده هیئت تصفیه رنگیران،

آقای محمدرضا خاوری،

نماینده بانک سپه،

آقای منصور والی اسعدی،

نماینده بانک ملی،

آقای عباس یونسی،

نماینده بانک تجارت.

فهرست مندرجات

شماره پاراگراف

۱	اول - گردش کار
۶	دوم - واقعیات و اظهارات
۲۵	سوم - ادعاها و ادعاهای متقابل
	چهارم - صلاحیت
۳۳	الف - تابعیت خواهان ها
۳۴	ب - وضعیت خواندگان
۳۶	ج - ادعا علیه بانک مرکزی
۳۷	پنجم - ادعای طلبکاران
۳۸	الف - وضعیت رنگیران
۵۶	ب - دعوی تصفیه و ورشکستگی
۵۷	ششم - ادعای سهامدار
۶۳	هفتم - ادعا و ادعای متقابل مربوط به ضمانت
۷۱	هشتم - هزینه ها
۷۳	نهم - رسیدگیهای آتی
۷۴	دهم - حکم

اول - گردش کار

۱ - در تاریخ ۱۲ ژانویه ۱۹۸۲ [۲۲ دی ماه ۱۳۶۰] ایستمن کداک کامپنی ("ایستمن کداک")، ایستمن کداک اینترنشنال سیلز کامپنی ("کداک سیلز") و کداک (نیرایست) اینک. ("کداک نیرایست") (مجتمعا "خواهانها") دادخواستی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران ("ایران")، شرکت خدمات فتوگرافی رنگیران (سهام خاص) ("رنگیران")، بانک ملی، بانک سپه، بانک ایران و انگلیس و بانک مرکزی ایران ("بانک مرکزی") به ثبت رساندند. این ادعا تحت پرونده شماره ۲۲۷ ثبت گردید.

۲ - در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۲ [۲۹ دی ماه ۱۳۶۰] دولت ایالات متحده امریکا ("ایالات متحده") از جانب ایستمن کداک اینترنشنال کپیتال کامپنی، اینکورپوریتد ("کداک کپیتال")، و به نفع وی، ادعایی کمتر از ۲۵۰,۰۰۰ دلار علیه ایران مطرح ساخت که تحت پرونده شماره ۱۲۳۸۴ ثبت گردید.

۳ - جلسه استماع مقدماتی پرونده شماره ۲۲۷ در اول فوریه ۱۹۸۵ [۱۲ بهمن ماه ۱۳۶۳] برگزار شد. سپس در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۸۵ [۲۳ خرداد ماه ۱۳۶۴]، خواهانهای پرونده شماره ۲۲۷ تقاضایی جهت ادغام و یا استماع همزمان پروندههای شماره ۲۲۷ و ۱۲۳۸۴ را تسلیم نمودند که ایالات متحده نیز، از جانب کداک کپیتال، با آن همراه شد. خواهانها درخواست نمودند که چون کداک کپیتال تماما متعلق به ایستمن کداک است و ادعاهای پرونده شماره ۱۲۳۸۴ "از کلیه جنبه های اساسی مشابه قسمت مربوط به دیون تجاری پرونده شماره ۲۲۷ می باشد"، لذا رسیدگیهای آن دو پرونده در هم ادغام گردد و یا به طور همزمان صورت گیرد. بعداً پرونده شماره ۱۲۳۸۴ به شعبه سه ارجاع شد و در تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۸۵ [۱۹ مهر ماه ۱۳۶۴] دیوان به طرفین اطلاع داد که استماع پرونده های شماره ۲۲۷ و ۱۲۳۸۴ را به طور همزمان برگزار خواهد کرد. بعلاوه، دیوان به طرفین

اجازه داد که با ذکر اسناد ثبت شده در هر یک از پرونده‌ها، آنها را جزء اسناد پرونده دیگر هم محسوب نمایند.

۴ - طبق دستور مورخ هفتم مارس ۱۹۸۵ [۱۶ اسفند ماه ۱۳۶۳] دیوان، ارائه لوایح توجیهی راجع به موضوعات پرونده شماره ۲۲۷ به دو مرحله تقسیم شد، و بدین ترتیب بررسی ارزیابی علایق سهامداری ایستمن کداک در رنگیران، که حسب ادعا صادره شده، به مرحله دوم موکول گردید. طرفین راجع به کلیه موضوعات دیگر پرونده حاضر لوایح توجیهی و ادله و مدارکی تسلیم کرده‌اند.

۵ - در هفتم نوامبر ۱۹۸۶ [۱۶ آبان ماه ۱۳۶۵] استماع توأم پرونده های شماره ۲۲۷ و ۱۲۳۸۴ برگزار گردید. طرفین در جلسه حضور بهم رسانده و استدلالات شفاهی خود را ارائه نمودند.

دوم - واقعیات و اظهارات

۶ - رنگیران(۱) یک شرکت ایرانی است که توسط ایستمن کداک در دوم اکتبر ۱۹۷۶ [دهم مهر ماه ۱۳۵۵] تاسیس شد تا نمایندگی پخش محصولات کداک در ایران و اداره یک لابراتوار عکاسی را به عهده گیرد. از تعداد ۱۰،۰۰۰ سهم اصلی، به نام ایستمن کداک ۹،۹۹۸ سهم و به نام کداک کپیتال و کداک نیرایست هر کدام یک سهم صادر شد. در ۲۱ مارس ۱۹۷۷ [اول فروردین ماه ۱۳۵۶] رنگیران داراییهای دو نمایندگی پخش محصولات کداک در ایران را خریداری، و در آوریل ۱۹۷۷ شروع به فعالیت نمود.

(۱) نام رنگیران ابتدا ایستمن کداک کامپنی (سهامی خاص) بود، و بعداً به کداک (ایران) (سهامی خاص) و در ژوئن ۱۹۷۹ به شرکت خدمات فتوگرافی رنگیران (سهامی خاص) تغییر یافت. از نظر سهولت، شرکت مزبور در سراسر این حکم رنگیران نامیده خواهد شد.

۷ - رنگیران اجناس خود را از کدک سیلز، کدک نیرایست و سایر شرکتهای وابسته به کدک، خریداری می‌کرد. بخشی از پرونده حاضر شامل این ادعاست که رنگیران وجه پاره‌ای از اجناس دریافتی را پرداخت نکرده است. بعلاوه، کدک مبالغی به عنوان وام به رنگیران داده است. ادعای مربوط به عدم بازپرداخت این وامها، بخش دیگر این پرونده می باشد.

۸ - در دسامبر ۱۹۷۸، با آغاز انقلاب ایران، مدیران خارجی رنگیران ایران را ترک کردند و در آن هنگام چهار نفر از کارکنان پایه متوسط ایرانی رنگیران را تعیین نمودند تا در غیاب آنان، شرکت را طبق دستورات آنان اداره نمایند. در فوریه ۱۹۷۹ دو نفر از مدیران امریکایی به ایران بازگشتند تا مدیریت [مستقیم] رنگیران را از سرگیرند. چنین به نظر می آید که رنگیران توانست از فوریه الی اکتبر ۱۹۷۹ نسبتاً بدون اشکال فعالیت کند.

۹ - در تاریخ چهارم نوامبر ۱۹۷۹ [۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸] سفارت ایالات متحده در تهران [اشغال] و کارکنان آن توقیف شدند. در دهم نوامبر ۱۹۷۹ [۱۹ آبان ماه ۱۳۵۸] دو مقام خارجی باقی مانده رنگیران، یعنی آقای جوزف ای. مورفی، مدیرعامل و آقای پاتریک اوگورمن مدیر عملیات شرکت، که هر دو تبعه ایالات متحده بودند، ایران را ترک کردند. نامبردگان قبل از ترک کشور، کمیته‌ای برای مدیریت شرکت تعیین نمودند که شامل سه کارمند از چهار نفر کارمند رنگیران بود که قبلاً در غیاب آنان شرکت را اداره کرده بودند. آقای مورفی اظهار داشته است که حتی پس از عزیمتش "وی می‌کوشید که به صورت تمام وقت برای یافتن بهترین راه حل مشکلات گوناگونی که پیش می‌آمد کار کند. در پیشبرد این هدف، وی به طور دائم با آقایان پاک نژاد و قاصبی و تا حدی هم آقای افتخار تلفنی در تماس بود و گزارشهای زیادی راجع به وضعیت و عملیات رنگیران از ایشان دریافت می‌کرد".

۱۰ - رنگیران در بانک ملی و بانک سپه حسابجاری و در بانک ایران و انگلیس (بانک تجارت کنونی) یک حساب اعتباری داشت که در واقع تسهیلات وام به شمار می‌رفت. در تاریخی بعد از ۱۷ نوامبر ۱۹۷۹ [۲۶ آبان ماه ۱۳۵۸] مقامات رنگیران بر آن شدند که از یکی از حسابهای بانکی رنگیران پول برداشت کنند، لکن از پرداخت پول خودداری شد. رنگیران هم از بانک ملی و هم از بانک سپه، استفسار نمود و بانکهای مزبور در اواخر دسامبر ۱۹۷۹ به آن پاسخ و به رنگیران اطلاع دادند که کلیه حسابهای بانکی آن در تاریخ ۲۶ آبان ماه ۱۳۵۸ [۱۷ نوامبر ۱۹۷۹] به دستور "دادستان کل جمهوری انقلابی اسلامی ایران" مسدود شده است. حسابها می‌بایست "تا دستور ثانوی" دادستان کل مسدود بماند (۲).

۱۱ - خواننده رنگیران برای دیوان توضیح داد که بعد از تعیین مدیران محلی ایرانی توسط مدیران امریکایی در حال عزیمت، برخی "از کارکنان متعهد" نسبت به "کار مدیران مذکور مشکوک" شدند. لذا با مراجعه به شورای پیگیری و ارزشیابی شورای انقلاب، بنیاد مستضعفان و دادستانی کل انقلاب، مراتب به اطلاع آنها رسانده شد. بنا به اظهار رنگیران، شورای انقلاب و بنیاد مستضعفان نمایندگانی به شرکت فرستادند، لکن ظاهراً در بدو امر اقدامی به عمل نیاوردند. سپس، طبق گفته رنگیران رویدادهای زیر به وقوع پیوست:

(۲) اصطلاحات "دادستان کل"، "دادستان کل انقلاب"، "دادستان" و "دادستان انقلاب" ظاهراً ترجمه‌های مختلف عنوان واحد می‌باشند.

کارکنان که متوجه شدند هیچگونه تغییری در روش مدیریت صورت نگرفته، مجدداً با دادستانی انقلاب تماس گرفتند و نتیجتاً طی حکم دادستانی کل انقلاب حساب بانکی شرکت مسدود و مقرر گردید که کارکنان ارشد مذکور برای هر پرداخت مدارک را جهت بررسی در اختیار دادستانی قرار دهند. این عمل دادستانی تنها بمنظور جلوگیری از سوءاستفاده و حیف و میل بیت المال و اموال شرکت مذکور صورت گرفت و حتی از آذر ماه الی اسفند ماه حقوق و مزایای کارکنان و برخی از هزینه ها از طریق فوق، زیر نظر دادستانی پرداخت گردید.

۱۲ - در تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۷۹ [هشتم آذر ماه ۱۳۵۸] یعنی ده روز پس از انسداد حسابهای بانکی رنگیران، شورای کارکنان رنگیران، که سازمانی متشکل از کارکنان رنگیران بود، اطلاعیه زیر را از بخش تحقیق دفتر دادستانی کل دریافت کرد.

تا تصمیم قطعی نسبت به وضع شرکتهای خارجی مخصوصاً امریکایی، به اطلاع آن شورا می‌رساند که موقتاً بر خروج و فروش کلیه محصولات شرکت و واردات نظارت کامل نموده و مسئولین شرکت موظفند برای اداره امور شرکت از تایید شورای کارکنان برخوردار باشند و در صورت مشاهده خلاف، مراتب را به این دادستانی گزارش نمایند.

۱۳ - آقای مورفی، مضافاً اظهار نموده است که بعد از آن تاریخ، شورای کارکنان عملاً کلیه وظایف مدیریت شرکت، از جمله تعیین قیمت، تعیین محل فروش موجودی اجناس، بررسی و تایید کلیه پرداختها و مخارج و تعیین حقوق مدیران و کارکنان را به دست گرفت. خواهانها ادعا می‌نمایند که مدیران منصوب سهامداران مورد تهدید قرار گرفته و بدانها گفته شد که چنانچه همکاری نکنند در معرض صدمه جانی خواهند بود. خواهانها به عنوان مدرک اختیارات شورای کارکنان، به اعلان ورشکستگی نیز که در سال ۱۹۸۱ به دادگاه مدنی تهران تسلیم گردیده استناد می‌کنند. ضمن آن اعلان گفته شده که "از مدیریت شرکت خواسته شد که امور شرکت را با تایید شورای کارکنان اداره نمایند" و پرداخت از حساب بانکی رنگیران، پس از کسب اجازه از دادستانی کل" به عمل می‌آمد. همینطور در گزارش تصفیه‌ای که در اوت ۱۹۸۱ توسط یک موسسه حسابرسی ایرانی تهیه شده، تایید

گردیده که "برمبنای دستور... دادستانی کل، هیئت مدیره مجبور شد برای اداره امور شرکت تایید شورای کارکنان را به دست آورد".

۱۴ - در ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹ [سوم دی ماه ۱۳۵۸] شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، دکتر اکبر خداخواه را برای نظارت بر امور رنگیران منصوب کرد. در حکم انتصاب ذکر شده که به آقای خداخواه "مأموریت داده می شود تا با نظارت کامل بر کار شورای کارکنان و مدیریت و امور مالی و حسن جریان کار شرکت فتوگرافی رنگیران تا اطلاع بعدی انجام وظیفه نموده و از جریان کار، این شورا [شورای انقلاب] را مطلع نمایند".

۱۵ - خوانندگان اظهار می دارند که آقای خداخواه "فقط به مدت کوتاهی (کمتر از دو ماه)" مدیریت رنگیران را به عهده داشت. لیکن خواهانها استدلال می کنند که "گرچه آقای خداخواه فقط به مدت محدودی در دفاتر رنگیران حضور داشت، با این حال وی کنترل کاملی بر شرکت اعمال می کرد و در طول این مدت اختیارات وی هرگز لغو نگردید. نامبرده جلساتی با حضور کلیه سرپرستهای شرکت تشکیل می داد و ارائه گزارشها و فهرستهای مربوط به فروش محصولات، موجودی و تقاضای بازار را خواستار می شد". خواهانها، مضافاً ادعا می نمایند که در زمان سرپرستی دکتر خداخواه، جلسه‌ای تشکیل و درباره ابقاء و یا اخراج مدیران منتخب سهامداران رای گیری شد. کارکنان رای به ابقاء مدیران دادند، لکن آقای مورفی اظهار می دارد که "واضح بود که آنان [مدیران] فقط به خواست شورای کارکنان و آقای خداخواه در سمت خود ابقاء شدند".

۱۶ - در دهم مارس ۱۹۸۰ [۱۹ اسفند ماه ۱۳۵۸] سهامداران رنگیران مجمع عمومی فوق العاده‌ای در ایالات متحده تشکیل دادند. در این مجمع تصمیم به انحلال رنگیران گرفته شد و هیئت تصفیه‌ای منصوب گردید. آقای نظام معتبر، حسابدار

سابق و مستقل رنگیران، و شریک وی، آقای عباس هوشی از جانب هیئت تصفیه جهت نظارت بر امور تصفیه و به ویژه مذاکره در مورد فسخ قراردادهای استخدامی کارکنان و ترتیب پرداخت بدهیها از محل داراییهای قابل تبدیل به پول نقد [شرکت]، منصوب گردیدند.

۱۷ - هیئت تصفیه تصمیم گرفت عملیات شرکت رامتوقف سازد و به کلیه کارکنان اخطار پایان خدمت داد. شورای کارکنان ابتدا این اخطارها را رد کرد. بنا به اظهار رنگیران "کارکنان تصمیم گرفتند تا تعیین تکلیف فوق العاده پایان خدمت کارکنان و آینده شرکت به کار شرکت ادامه دهند". سهامداران شرکت وقتی با این تصمیم مواجه شدند، به آقای معتبر اجازه و اختیار دادند تا برای حل مسأله فوق العاده پایان خدمت با شورای کارکنان وارد مذاکره شود.

۱۸ - به نظر می رسد که سرانجام مذاکرات بین آقای داود بهشتی، رئیس شورای کارکنان (۳) و آقای معتبر به نتیجه رسید و امر تصفیه با همکاری شورای کارکنان به جریان افتاد. در ۲۵ ژوئن ۱۹۸۰ [چهارم تیر ماه ۱۳۵۹] آقای بهشتی با تلکس به آقای مورفی اطلاع داد که:

با موافقت کلیه کارکنان پیشنهاد نهایی خود درباره فوق العاده پایان خدمت را به شرح زیر تسلیم می داریم: [شرایط ذکر شده].

پاسخ فوری شما موجب امتنان خواهد بود.

۱۹ - دو روز بعد، در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۰ [ششم تیر ماه ۱۳۵۹] ایستمن کداک طی تلکسی (۴) "توسط نظام معتبر، پرایس واترهاوس، هتل اینترکننتیننتال، تهران"، به

(۳) بعداً در گزارش تصفیه، از آقای بهشتی به عنوان "امین دفتر دادستانی کل" نام برده شده است.

(۴) در سوابق، فقط صفحه یک از این سند که ظاهراً در چند صفحه بوده، وجود دارد.

آقای بهشتی پاسخ داد و در آن، "پیشنهاد نهایی" خود در مورد فوق العاده خاتمه خدمت کارکنان رنگیران را مطرح کرد. این پیشنهاد از کلیه جنبه های اساسی با پیشنهاد آقای بهشتی مطابقت داشت. در اواخر سال ۱۹۸۰، چکهای فوق العاده های پایان خدمت به نام کارکنان سابق رنگیران صادر شد. به گفته آقای مورفی، علی رغم موافقت حاصله، دادستان انقلاب از پرداخت فوق العاده های خاتمه خدمت به کارکنان بهایی و برخی از کارکنانی که حقوق بالایی دریافت می کردند، جلوگیری کرد.

۲۰ - بنا به اظهار رنگیران، "در اواسط سپتامبر ۱۹۸۰، به دستور مقامات دادستانی، محل شرکت لاک و مهر و از کار کردن کارکنان جلوگیری به عمل آمد". رنگیران اضافه می کند که بعد از آن ظاهراً با نظر دولت مقرر گردید که به نمایندگان سهامداران "برای انحلال شرکت اختیارات تام داده شود"، مشروط بر اینکه شرکت "یک نفر از شورای کارکنان (را) که مورد تایید دادستانی باشد" به عنوان عضو هیئت تصفیه منصوب نماید. در واقع، در دهم دسامبر ۱۹۸۰ [۱۹ آذر ماه ۱۳۵۹] هیئت تصفیه منصوب سهامداران رنگیران تلکسی به شرح زیر به آقای هوشی مخابره کرد:

اطلاعیه به دفتر دادستانی کل، جمهوری انقلابی ایران

از هیئت تصفیه شرکت رنگیران

۱ - هیئت تصفیه رنگیران ... بدینوسیله به احد آقایان نظام معتبر و یا عباس هوشی مشترکا" یا منفرداً" اختیارات تامه می دهد تا از جانب هیئت اقدام نمایند، مشروط بر آنکه داود بهشتی به مناسبت اینکه از طرف یکی از دفاتر دادستانی به عنوان نماینده آن منصوب گردیده و از زمان خروج مدیران، امین داراییهای شرکت محسوب می شود، موافقت کند که مشترکا" با احد آقایان نظام معتبر و عباس هوشی اقدام نماید و مسئولیت اجرای دستورات زیر، یعنی اجرای تعهدات فعلی هیئت تصفیه مبنی بر پرداخت فوق العاده خاتمه خدمت کارکنان سابق رنگیران... برطبق جدول پرداختهای تهیه شده توسط شورای کارکنان رنگیران را... که قبلاً" به هیئت تصفیه مذکور تسلیم و مورد تایید و تصویب وی قرار گرفته، بپذیرد.

۷ - مراتب بالا تصمیم رسمی هیئت تصفیه رنگیران تلقی می‌شود.... هر طرفی در ایران که برای اقدام در مورد موضوعات فوق‌الذکر فرا خوانده شود، می‌تواند به عنوان مستند اقدام، به این تلگرام استناد نماید.

۲۱ - این بود وضع [شرکت] در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ [۲۹ دی ماه ۱۳۵۹]، یعنی در تاریخ بیانیه حل و فصل دعاوی و تاریخی که دیوان از لحاظ احراز صلاحیت خود باید تعیین نماید که آیا در این تاریخ ایران بر رنگیران کنترل داشته است یا خیر. معهذاً، به خاطر کامل بودن [تاریخچه پرونده]، ذیلاً به شرح رویدادهای ذیربط بعدی مبادرت می‌شود.

۲۲ - خواهانها اظهار می‌نمایند که تا آنجا که اطلاع دارند امر تصفیه شرکت طبق وکالتنامه صادره در دسامبر ۱۹۸۰ دنبال شد. لیکن رنگیران در لایحه دفاعیه خود گزارش می‌دهد که بدواً تا مدتی پس از آوریل ۱۹۸۱، "دادستانی وکالتنامه را تصویب نکرد." ظاهراً "سرانجام موافقتهای لازم به دست آمد و آقای هوشی، در تاریخ ششم اوت ۱۹۸۱ [۱۵ مرداد ماه ۱۳۶۰] از جانب هیئت تصفیه "گزارشی در مورد شرکت منحلہ رنگیران" ("گزارش") تسلیم نمود. در این گزارش واقعیات و رویدادهای مربوط به رنگیران، از جمله انسداد [حسابها]، تفویض اختیارات به شورای کارکنان و مداخله دادستانی کل تشریح شده است. در گزارش، پس از بررسی وضعیت مالی رنگیران، پیشنهادهای زیر بعمل آمده است:

بدینوسیله اعلام می‌دارد که هیئت تصفیه بدون دریافت وجه نقد از سهامداران قادر به انجام امور تصفیه نمی‌باشد، و بعلاوه با توجه به (۱) میزان زیان سنوات قبل و (۲) جمع بدهیهای شرکت، لازم است که هیئت تصفیه از مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام دعوت نماید که در مورد انحلال شرکت و یا ورشکستگی آن تصمیم بگیرد.

۲۳ - هیئت تصفیه در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۸۱ [نهم شهریور ماه ۱۳۶۰] اقدام به تشکیل

مجمع عمومی فوق العاده سهامداران نمود که در آن به اتفاق آراء تصمیم گرفته شد که شرکت ورشکسته اعلام گردد و ورشکستگی شرکت به مقامات صلاحیت دار اطلاع داده شود. هیئت تصفیه همچنین به دو وکیل ایرانی وکالت داد که کلیه اقدامات لازم در مورد ورشکستگی را به عمل آورند.

۲۴ - وکلای مزبور در ۱۴ نوامبر ۱۹۸۱ [۲۳ آبان ماه ۱۳۶۰] از جانب رنگیران اقدام به ثبت عرضحال ورشکستگی در دادگاه عمومی تهران نمودند و دادگاه مزبور از کارشناس رسمی وزارت دادگستری خواست که در آن باره اظهار نظر کند. کارشناس در تاریخ دهم ژوئن ۱۹۸۲ [۲۰ خرداد ماه ۱۳۶۱] گزارش خود را تسلیم و در آن متذکر گردید:

نظر به اینکه زیان بیش از مبلغ سرمایه شرکت نامبرده قبل از تاریخ ۱۳۵۸/۸/۲۶ [۱۷ نوامبر ۱۹۷۹] که دارایی و موجودیهای او از طرف دادستانی انقلاب زیر کلید و یا مسدود گردیده، بود و چون سهامداران شرکت نیز به مفاد ماده ۱۴۱ قانون تجارت توجهی مبذول نداشتند، بنابراین شرکت [سهامی خاص] رنگیران... قبل از تاریخ مذکور متوقف بوده است.

سرانجام دادگاه عمومی تهران در دادنامه مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۳ [۲۶ تیر ماه ۱۳۶۲] اعلام نمود که شرکت [خدمات فتوگرافی] رنگیران از تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۷۷ [نهم آبان ماه ۱۳۵۶] ورشکسته بوده است.

سوم - ادعاها و ادعای متقابل

۲۵ - خواهانها سه دسته ادعای متفاوت مطرح می‌سازند. اول، کلیه خواهانها به عنوان طلبکاران رنگیران اقدام می‌کنند ("ادعای طلبکاران"). دوم، ایستمن کداک به عنوان صاحب اکثریت سهام رنگیران علیه ایران طرح دعوی می‌نماید ("ادعای

سهامدار"، و بلاخره ایستمن کدک ادعایی جهت صدور حکم اعلامی در رابطه با (ضمانت های وام) که در اختیار رنگیران گذارده بود، مطرح می کند ("ادعای ضمانت").

۲۶ - ادعای طلبکاران مبتنی براین اظهار است که رنگیران، در دوره ذیربطه، طبق مفاد بیانیه حل و فصل دعاوی واحدی تحت کنترل ایران بوده است. خواهانها خواستار پرداخت دیون تجاری، سفته ها و سایر بدهیها هستند.

۲۷ - دیون تجاری مربوط به مواد و لوازم عکاسی است که حسب ادعا خواهانها و یا شرکتهای تابعه خارجی آنها به رنگیران تحویل داده ولی بهای آنها را دریافت نکرده اند. کل مبلغ مورد ادعا در دو پرونده ۲،۱۲۲،۹۵۰/۴۸ دلار امریکاست. مدرک ادعا بابت وامهایی که از قرار، ایستمن کدک به رنگیران داده، سفتههایی است که به ۳،۳۶۸،۲۴۳ دلار امریکا بالغ می شود. علاوه بر اصل مبلغ وامها، ایستمن کدک بهره ای به نرخ هشت درصد مقرر در قرارداد مطالبه می کند که تا تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۷۹ [۲۵ آبان ماه ۱۳۵۸]، محاسبه شده و در نتیجه جمع ادعا به مبلغ ۳،۶۰۲،۰۴۰ دلار بالغ می گردد.

۲۸ - "بدهیهای دیگر" شامل ادعای استرداد مبلغ ۴۱،۳۹۰ دلار است که حسب ادعا ایستمن کدک از جانب رنگیران به دو نفر کارمند امریکایی رنگیران بابت اموال و لوازم شخصی آنها که در ایران به جای گذارده بودند پرداخت کرده، و اموال مزبور مسترد، یا خسارت آنها به طریق دیگری جبران نشده است. بعلاوه ایستمن کدک هر مبلغی را که ممکن است به عنوان ضامن بدهی رنگیران به بانک ایران و انگلیس، محکوم به پرداخت به بانک تجارت گردد، مطالبه می کند. شرح این مطلب در زیر آمده است.

۲۹ - در ادعای سهامدار، ایستمن کداک به عنوان دارنده کلیه سهام رنگیران غیر از دو سهم، ادعا می‌نماید که ایران، حقوق و علایق سهامداری وی را در رنگیران مصادره نموده، و از این بابت ایران مسئول پرداخت غرامت است. همانطور که گفته شد، رقم این بخش از ادعا هنوز مشخص نشده است. (رجوع شود به بند ۴ بالا)

۳۰ - ادعای مربوط به ضمانت مشتمل است بر درخواست ایستمن کداک جهت صدور حکم اعلامی در مورد ضمانت نامه مالی که وی به منظور تضمین تسهیلات اعتباری اعطایی بانک ایران و انگلیس به رنگیران، به بانک مذکور داده است. ایستمن کداک خواستار صدور حکمی دایر بر عدم مسئولیت وی، و یا صدور دستوری از جانب دیوان است که در آن مقرر گردد که ایران بدهی رنگیران به بانک تجارت را از محل موجودی حسابهای رنگیران نزد بانک ملی و بانک سپه، تادیه و آنرا اسقاط نماید.

۳۱ - خواهانها همچنین خواستار بهره و هزینه ها می باشند.

۳۲ - فقط بانک تجارت ادعای متقابلی طرح نموده است. ادعای متقابل مزبور مبتنی بر ادعای ضمانت بوده، و بانک تجارت می خواهد که ایستمن کداک به عنوان ضامن مانده پرداخت نشده بدهی رنگیران، مبلغ ۳۸،۷۴۹،۸۶۶ ریال به اضافه بهره تا آخرین روز پرداخت بدهی مزبور" پرداخت نماید.

چهارم - صلاحیت

الف - تابعیت خواهان ها

۳۳ - براساس مدارک تسلیمی، دیوان قانع شده است که ایستمن کداک، کداک سیلز،

کدک نیرایست و کدک کپیتال در کلیه مواقع ذیربط به مفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی، اتباع ایالات متحده بوده‌اند. خواهانها به مدارک مستند و شهادت به صورت مقرر در دستور مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۲ [۲۹ آذر ماه ۱۳۶۱] شعبه یک دیوان در پرونده فلکسی - ون لیسینگ اینک و جمهوری اسلامی ایران، پرونده شماره ۳۶، (که در Iran-U.S. C.T.R., 455 ۱ نیز چاپ شده است)، استناد می‌کنند. مضافاً به نظر دیوان مدارک موجود ثابت می‌کنند که شرکت آلمانی کدک آکتین گزلسافت ("کدک آ.گ.") و شرکت سوئیسی کدک سوسیتیه آنونیم (کدک اس.آ) به ترتیب شرکتهای تابعه ایستمن کدک و کدک کپیتال می‌باشند که به دو شرکت اخیرالذکر حق می‌دهد طبق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، ادعاهای غیرمستقیم شرکتهای تابعه خود را مطرح نمایند.

ب - وضعیت خواندگان

۳۴ - در این که بانک ملی، بانک سپه و بانک تجارت واحدهای تحت کنترل ایران، طبق بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، به شمار می‌روند، اختلاف نظری نیست. دیوان داوری نتیجه می‌گیرد که نسبت به این خواندگان، و همچنین نسبت به خود ایران صلاحیت دارد. همچنین اختلافی نیست که بانک تجارت، جانشین قانونی بانک ایران و انگلیس بوده و لذا در ادعای ضمانت ناشی از معاملات بانک اخیرالذکر، خوانده صحیح می‌باشد.

۳۵ - بالاخره، خواهانها ادعا می‌نمایند که رنگیران واحدی است تحت کنترل، در حالی که خواندگان تاکید می‌کنند که چنین نیست. دیوان در بحث راجع به ادعای طلبکاران علیه رنگیران که در زیر خواهد آمد، این موضوع را جداگانه بررسی خواهد کرد.

ج - ادعا علیه بانک مرکزی

۳۶ - دیوان داوری ملاحظه می نماید که خواهانها از بانک مرکزی فقط به این دلیل به عنوان خواننده اسم برده اند که نامبرده متعهد است تعهدات ایران در رابطه با نگهداری و ترمیم موجودی حساب تضمینی را اجرا نماید. دیوان براین نظر است که خواهانها نتوانسته اند ادعایی علیه بانک مرکزی مطرح سازند که به موضوع اصلی پرونده حاضر مربوط باشد. در نتیجه، نظر دیوان اینست که بانک مرکزی خواننده صحیح پرونده حاضر نیست.

پنجم - ادعای طلبکاران

۳۷ - موضوع مهم صلاحیتی در مورد ادعاهای طلبکاران، به وضعیت رنگیران به عنوان خواننده در پرونده های حاضر مربوط است.

الف - وضعیت رنگیران

۳۸ - خواهانها اظهار می دارند که اساساً سه رویداد باعث شد که سهامداران از کنترل خود بر رنگیران محروم شوند، به نحوی که رنگیران در اواخر سال ۱۹۷۹ به صورت واحد تحت کنترل ایران در آمد. این رویدادها عبارتند از: (۱) انسداد حسابهای بانکی رنگیران، (۲) اعطای اختیارات مدیریت به شورای کارکنان رنگیران توسط دادستان انقلاب و (۳) انتصاب آقای خداخواه. خواندگان اظهار می دارند که این سه رویداد، اقدامات "احتیاطی و موقت" مشروعی بوده که به دلیل رها کردن رنگیران توسط سهامدارانش، انجام شده و هدف از آنها حفظ و حراست داراییهای شرکت مزبور بوده است.

۳۹ - به عنوان یک امر مقدماتی، دیوان این ادعای خواندگان را که خروج مدیران خارجی رنگیران از کشور در تاریخ دهم نوامبر ۱۹۷۹ [۱۹ آبان ماه ۱۳۵۸] در حکم رها کردن شرکت بوده، رد می‌کند. کاملاً روشن است که اوضاع سیاسی در ایران پس از چهارم نوامبر ۱۹۷۹ [۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸] خروج اتباع امریکایی را توجیه می‌کرد. خواهانها ثابت کرده‌اند که مقامات شرکت در هنگام خروج، یک گروه مدیران موقت را منصوب نمودند و آقای مورفی، مدیر عامل سابق رنگیران، با مدیران محلی "تلفنی در تماس دائم بوده و گزارشهای زیادی راجع به وضعیت و عملیات رنگیران از ایشان" دریافت می‌کرد.

۴۰ - خواندگان اسناد حسابهای بانکی رنگیران را به عنوان اقدامی ضروری جهت حفظ داراییهای رنگیران، موجه می‌دانند. دیوان داوری براین نظر است که هیچ یک از ادله و مدارک آن زمان، موعید این ادعا نیست. اعلام بعدی دایر بر ورشکستگی رنگیران در ۳۱ اکتبر ۱۹۷۷ [نهم آبان ماه ۱۳۵۶]، نمی‌تواند اثری تعیین کننده در این رابطه داشته باشد، زیرا حکم مزبور متجاوز از سه سال پس از رویدادهای مورد بحث در اینجا، صادر شده است.

۴۱ - اسناد حسابهای بانکی رنگیران توسط دادستان کل در ۱۷ نوامبر ۱۹۷۹ [۲۶ آبان ماه ۱۳۵۸]، بهر دلیل که انجام گرفته باشد، بر مدیریت شرکت اثر فوری به جای گذاشت. همچنین روشن است که اخطار مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۷۹ [ششم آذر ماه ۱۳۵۸]، اختیارات ویژه‌ای جهت نظارت بر عملیات شرکت به شورای کارکنان رنگیران تفویض کرد، و بعد از آن مدیریت رنگیران مکلف گردید که در اداره امور شرکت تایید شورای مزبور را تحصیل کند. آقای مورفی جریان امور را به این نحو توصیف کرده است:

هر بار که برای پرداخت حقوق کارکنان به پول احتیاج بود، مدیریت

رنگیران یک لیست حقوق تهیه و چکی امضاء می‌کرد. شورای کارکنان چک مزبور را به شورای انقلاب می‌برد که شورا نیز (اگر می‌خواست) آنرا به دادستان کل تسلیم و وی آن را تأیید یا رد می‌کرد. چنانچه چک تأیید می‌شد، نهایتاً "بانک به رنگیران اطلاع می‌داد که وجوه به بدهکار حساب رنگیران و به بستانکار حساب یکایک کارکنان منظور شده است.

۴۲ - آخرین رویداد مورد استناد خواهانها جهت اثبات کنترل ایران بر رنگیران انتصاب آقای خداخواه است. چیزی در سوابق نشان نمی‌دهد که به مأموریت آقای خداخواه خاتمه داده شده باشد. معیناً برای دیوان تعیین نقش و وظایف آقای خداخواه بر مبنای ادله و مدارک موجود مشکل است. دیوان داوری ملاحظه می‌نماید که در گزارش هیئت تصفیه (رجوع شود به بند ۲۲ بالا) که تاریخچه رویدادهای مربوط به رنگیران را بازگو می‌کند، اشاره‌ای به انتصاب آقای خداخواه و یا هرگونه وظیفه سرپرستی که وی برای رنگیران ایفا نموده، نشده است. از اینرو، دیوان نتیجه می‌گیرد که نقش آقای خداخواه جزئی و موقتی بوده، و هدف از آن کمک به حل مشکلات موجود بین مدیران محلی و شورای کارکنان بوده است.

۴۳ - به نظر دیوان واقعیت‌های یاد شده ثابت می‌کنند که از تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۷۹ [ششم آذر ماه ۱۳۵۸] مدیریت مشترک رنگیران را هیئت مدیره‌ای که اصالتاً و از طریق مقامات محلی منصوب خود عمل می‌کرد، شورای کارکنان و دادستان کل، که اجازه وی برای استفاده از حسابهای بانکی رنگیران لازم بود، به دست گرفتند.

۴۴ - دیوان مضافاً خاطر نشان می‌سازد که خواهانها برای اثبات کنترل ایران بر رنگیران در اواخر سال ۱۹۷۹، بر رویدادهای ماههای نوامبر و دسامبر آن سال تأکید می‌ورزند. لیکن دیوان باید وضعیت رنگیران را نه فقط در این برهه زمانی، بلکه همچنین در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ [۲۹ دی ماه ۱۳۵۹] یعنی تاریخ رسمیت یافتن بیانیه حل و فصل دعاوی، نیز تعیین نماید. در نتیجه، رویدادهای بعد از دسامبر

۱۹۷۹ نیز باید مد نظر قرار گیرد.

۴۵ - در تاریخ دهم مارس ۱۹۸۰ [۱۹ اسفند ماه ۱۳۵۸] سهامداران رنگیران تصمیم گرفتند که رای به انحلال رنگیران بدهند. خواهانها، از طریق اظهارات آقای کیلکز، وکیل موظف ایستمن کداک، در مورد این تصمیم توضیح داده و گفته اند که سهامداران بر سر دو راهه‌ای قرار گرفته بودند:

(یک) رها کردن کامل رنگیران، یا (دو) دادن رای به انحلال شرکت به منظور جلوگیری از افزایش بدهیها و تعهدات رنگیران که در غیراینصورت همچنان افزایش پیدا می کرد، اقدام در مورد خاتمه خدمت کارکنان به نحو شایسته و پرداخت مطالبات آنان بابت حقوق و [فوق العاده] پایان خدمت و- مهمتر از همه - بدانوسیله تقلیل خطر تهدیدات جانی نسبت به گروه مدیران محلی شرکت.

۴۶ - دیوان داوری براین نظر است که خواهانها نتوانسته‌اند این ادعای تلویحی آقای کیلکز را که تصمیم به انحلال رنگیران به اجبار اتخاذ شده، ثابت نمایند.

۴۷ - دیوان همچنین براین نظر است که قطع نظر از دلایل ارائه شده در مورد تصمیم به انحلال، این تصمیم فقط در شرایطی قابل درک است که هیئت مدیره خود را به قدر کافی قادر به کنترل عملیات رنگیران می دانست که بتواند راجع به آینده آن به نحوی که به تشخیص آن به نفع سهامداران بود، تصمیم گیرد. این مطلب، حتی با وجودی که کمیته مدیریت منصوب وی از آزادی عمل کامل، به ویژه در مورد استفاده از حسابهای بانکی، برخوردار نبوده، صادق است.

۴۸ - در واقع، سهامداران ثابت کردند که قادرند تصمیم خود را در مورد انحلال رنگیران عملی سازند. نظر دیوان داوری اینست که این واقعیت نه تنها موعید ادعاهای خواهانها مبنی بر کنترل رنگیران توسط ایران نیست، بلکه در واقع با این ادعاها تناقض دارد. لازم به تذکر است که چیزی در سوابق حاکی از آن نیست که تصمیم

به انحلال موکول به موافقت دادستان کل یا شورای کارکنان شده باشد. بعلاوه، هیئت تصفیه از طریق گماشتگان محلی خود، یعنی آقایان معتبر و هوشی توانست وظایفش را، ولو با موافقت آقای بهشتی، انجام دهد. به عنوان نمونه، مدرک این امر، تبادل تعدادی تلکسی در ماههای مه و ژوئن ۱۹۸۰ است که ضمن آنها در مورد حقوق و فوق‌العاده‌های پایان خدمت کارکنان مذاکره [و توافق] شده است (رجوع شود به بندهای ۱۷ و ۱۸ بالا). این که مذاکرات مزبور توسط شورای کارکنان تحمیل و این امر باعث تاخیر در عملیات تصفیه گردید، فاقد اهمیت است، چه عملیات مزبور بالاخره اجرا شد.

۴۹ - مفهوم کنترل، به‌ترتیبی که در حقوق تجارت و حقوق بین‌الملل به‌کار می‌رود به‌هیچوجه از روشنی و صراحتی که از یک مفهوم حقوقی انتظار می‌رود، برخوردار نیست. معنی و اهمیت آن، به میزان زیادی به منظوری که برای آن بکار می‌رود و به‌زمینه حقوقی که در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، بستگی دارد. (برای مثال، رجوع شود به پرونده Anaconda Company v. Overseas Private Investment Corp., 59 I.L.R 406, 420 (17 July 1975).

بنابراین، معنی آن می‌تواند به میزان قابل ملاحظه‌ای تغییر کند. با توجه به این عدم قطعیت، متون حقوقی حاوی مفهوم فوق، اغلب معنی مورد نظر از آنرا در زمینه خاص خود تعریف می‌کنند. در بیانیه حل و فصل دعاوی، وضع چنین نیست. بند ۳ ماده هفت، معنی کنترل را به صورتی که در عبارت "واحد تحت کنترل" هر یک از دولتین مربوط (و یا هر سازمان تابعه سیاسی آنها) به کار برده شده، روشن نمی‌کند. در نتیجه، دیوان موظف است در هر مورد تعیین نماید که آیا خواننده خاصی، در مفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی "واحد تحت کنترل" می‌باشد یا خیر. برای این کار، دیوان باید کلیه قرائن ذیربط مندرج در بیانیه حل و فصل دعاوی و نیز شرایط مربوط پرونده را در نظر گیرد تا تفسیر "کنترل" ذیربط در اینجا را به دست دهد.

۵۰ - قبل از هر چیز، این مطلب شایان توجه است که در بند ۲ همان ماده هفت در رابطه با ادعاهایی که از طریق مالکیت سرمایه یا سایر علائق مالکیت در اشخاص حقوقی، بطور غیرمستقیم به اتباع هر یک از دولتهای طرف تعلق دارد، نیز واژه "کنترل" به کار رفته است. این قبیل ادعاهای غیرمستقیم، فقط در صورتی "ادعاهای اتباع ایران یا ایالات متحده محسوب می شود که میزان مالکیت چنین اتباعی مجتمعا" در هنگام بوجود آمدن ادعا برای کنترل شرکت یا شخص حقوقی دیگر کافی بوده باشد". (تاکید اضافه شده است). در اینجا نیز مفهوم کنترل تعریف نشده است، لکن چون به مالکیت سهام یا سایر علائق مالکیت و روابط بین اشخاص خصوصی، اعم از حقیقی یا حقوقی مربوط است، الزاما" به همان معنایی که در عبارت "تحت کنترل (یک) دولت" به کار رفته، استعمال نشده است. این امر از این واقعیت ناشی می شود که عموما" پذیرفته شده است که دولت می تواند به طرقی غیر از تحصیل مالکیت سرمایه یا سایر علائق مالکانه، کنترل یک شخصیت حقوقی را به دست گیرد.

۵۱ - در چنین اوضاع و احوالی، لازم است برای تعیین معنی خاص کلمه "کنترل" در سیاق عبارت بند ۳ ماده هفت از ملاحظات دیگر کمک گرفته شود. دیوان در وهله اول باید بررسی و ارزیابی نماید که اگر واحدی که دعوائی علیه آن طرح شده، "واحدی تحت کنترل" تشخیص داده شود، چه آثار و نتایجی طبق بیانیه حل و فصل دعاوی بر آن مترتب است.

۵۲ - اولین اثر این نتیجه گیری که یک شرکت یا شخص حقوقی دیگر "واحد تحت کنترل" دولت ایران (یا دولت ایالات متحده) می باشد، اینست که ادعای مطروحه علیه چنین واحدی، چنانچه کلیه شرایط دیگر بیانیه حل و فصل دعاوی نیز رعایت گردد، در حیظه صلاحیت دیوان قرار می گیرد. لکن اثر دیگری که حائز اهمیت کمتری نیست، اینست که چنانچه ادعایی توسط یک تبعه ایالات متحده مطرح، و خواهان حاکم گردد، خسارتی که واحد مورد بحث متعهد به پرداخت آن خواهد بود، در واقع با پرداخت

از محل حساب تضمینی جبران خواهد شد. چنانکه همگان می دانند حساب تضمینی به موجب بند هفت بیانیه مورخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر، افتتاح و بدو " موجودی آن با انتقال وجوهی از سپرده‌ها و اوراق بهادار ایران نزد موسسات بانکی ایالات متحده در امریکا، تامین گردید. ایران باید حداقل موجودی حساب را با تودیع مبالغ جدید در سطح ۵۰۰ میلیون دلار نگاهدارد، و بالاخره پس از آنکه به گواهی رئیس دیوان [داوری] مبالغ کلیه احکام صادره علیه ایران پرداخت گردید، هر مبلغ که در حساب تضمینی مانده باشد، به ایران مسترد خواهد شد. به سخن دیگر، دولت ایران از طریق حساب تضمینی، از لحاظ پرداخت کلیه خساراتی که خوانده "واحد تحت کنترل" احتمالا" بابت آن مسئول شناخته شود، به طور کامل جانشین واحد مزبور می‌گردد.

۵۳ - چنین سیستمی چیزی بیش از مکانیسم ساده نحوه به اجرا گذاردن احکام صادره دیوان است، چه خواهان های امریکایی را از توسل به تشریفات قضایی دادگاههای داخلی جهت اجرای حکم بی نیاز می سازد. چنانکه هم اکنون تاکید شده، این وضع آثار و نتایج گسترده‌ای دارد که به ویژه در مواردی که "واحد تحت کنترل" قبلا" شرکت تابعه و یا تحت کنترل خواهان بوده، شایان توجه است. حتی اگر این سیستم اجرا فقط به نفع خواهان موفق امریکایی عمل کند، از توجه به این جنبه از موضوع، در هنگام تعیین مفهوم کنترل در ارتباط با تعیین صلاحیت دیوان، نباید غفلت شود. این امر اثری بدیهی بر تعیین نوع کنترلی دارد که باید مورد نظر قرار گیرد.

۵۴ - همانطور که قبلا" گفته شد، در پرونده حاضر خواهانها علی رغم اقدامات موثر در حقوق مالکیت آنها که مقامات ایران به عمل آوردند، توانستند تصمیم خود مبنی بر انحلال شرکت را به موقع اجرا گذارند. آنان همچنین اقرار کرده‌اند که پس از ثبت ادعایشان نزد دیوان تصمیم گرفتند رنگیران را ورشکسته اعلام کنند و توانستند حکمی

اعلامی به این منظور تحصیل نمایند. این واقعیتهای دال بر آنست که کنترل خواهانها بر رنگیران به قدر کفایت بوده که مانع از آن شود که این شرکت، "واحدی تحت کنترل" ایران به مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی تلقی و آثار و نتایج این تلقی بر آن مترتب شود. در هر حال، قطع نظر از دلایلی که باعث شده خواهانها تصمیم به چنین اقدامی بگیرند، نامبردگان باید آثار و نتایج ناشی از آنرا بپذیرند.

۵۵ - بنابه مراتب پیش گفته، دیوان بر این نظر است که رنگیران در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ [۲۹ دی ماه ۱۳۵۹] واحد تحت کنترل، به شرح مقرر در بیانیه حل و فصل دعاوی، نبوده تا دیوان نسبت به ادعاهای مطروحه علیه آن صلاحیت داشته باشد. این نظر تکلیف ادعای طلبکاران را که در پرونده شماره ۲۲۷، و همچنین کلیه ادعاهایی را که در پرونده شماره ۱۲۳۸۴ مطرح است، معین می کند. کلیه این دعاوی به دلیل عدم صلاحیت رد می شوند.

ب - انحلال و ورشکستگی

۵۶ - با توجه به نظر دیوان در بالا دایر بر عدم صلاحیت نسبت به ادعاهای مطروحه علیه رنگیران، دیوان تعیین آثار احتمالی را که ممکن است انحلال شرکت و دعاوی ورشکستگی بعدی، بر صلاحیت آن داشته باشد، لازم نمی داند.

ششم - ادعای سهامدار

۵۷ - ایستمن کدک، به عنوان صاحب اکثریت سهام رنگیران، بر مبنای واقعیات مشروحه فوق (رجوع شود به بندهای ۹ تا ۲۰ بالا) ادعا می نماید که اقدامات ایران در مورد رنگیران در حکم مصادره سهام وی در رنگیران بوده و به این دلیل ایران

مسئول پرداخت غرامت به ایستمن کداک بابت ارزش آن سهام است. دفاع ایران در برابر این ادعا همانند دفاعی است که در مورد کنترل ادعایی ایران بر رنگیران به عمل آمده است.

۵۸ - از لحاظ صلاحیتی مسأله تحت کنترل ایران بودن یا نبودن شرکتی، با مسأله مصادره شدن یا نشدن یک شرکت فرق دارد. لیکن نظر دیوان دایر بر اینکه رنگیران در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ [۲۹ دی ماه ۱۳۵۹] واحد تحت کنترل ایران نبوده مانع از این نتیجه گیری است که مداخله ایران در امور رنگیران بمنزله ضبط علایق سهامداری خواهانها در رنگیران در آن تاریخ بوده است. بعلاوه، نظر دیوان اینست که واقعیات پرونده حاضر اعلام نظری بدین مضمون را که ایستمن کداک از حقوق مالکانه خود محروم گردیده، تجویز نمی‌کنند. بحثی نیست که مداخله ایران تاثیری در مالکیت قانونی سهام نداشته است. (رجوع شود به صفحات ۳۱ تا ۳۳ [متن انگلیسی] حکم شماره ۱-۲۳۱/۳۷-۲۲ مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۸۶ [۲۲ فروردین ماه ۱۳۶۵]، در پرونده فورموست تهران اینک و جمهوری اسلامی ایران Sporrong and Lonroth, European Court of Human Rights, Judgement of 23 September 1982, Series A, No. 52). در اتخاذ این تصمیم دیوان داوری اهمیت خاصی برای این واقعیت قایل شده است که خواهان به عنوان صاحب اکثریت سهام عملاً قادر بوده تصمیم به انحلال رنگیران گرفته و آن را ورشکسته اعلام نماید و تصمیم مزبور مدت ها بعد از وقوع حوادثی اتخاذ شده که طبق اظهار خواهان، موجب از بین رفتن علایق سهامداری وی گردیده است.

۵۹ - لیکن، این واقعیت که مداخله ایران به حد مصادره یا محرومیت از حقوق مالکیت نرسیده، مانع از آن نیست که دیوان به بررسی این مسأله بپردازد که آیا مداخله‌ای که در اینجا محرز گردیده، در حکم "سایر اقدامات مؤثر در حقوق مالکیت"

به شرح مندرج در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی بوده است، یا خیر. رجوع شود به صفحه ۳۲ حکم صادره در پرونده فورموست مذکور. اینگونه اقدامات اگرچه بمنزله مصادره یا محرومیت نیستند، مع الوصف در حدی که به علایق مالکانه خواهان صدمه می‌زنند، می‌توانند موجد مسئولیت گردند.

۶۰ - دیوان داوری متقاعد شده است که ادعای خواهان در مورد مصادره باید مشتمل بر ادعای مداخله ضعیف تری در علایق مالکیت وی تلقی شود.

۶۱ - نظر دیوان اینست که مداخله از نوعی که در بالا ذکر شد، در پرونده حاضر صورت گرفته و این مداخله قابل انتساب به ایران است. بنابراین موضوعی که برای رسیدگی دیوان باقی می‌ماند، اینست که معلوم نماید آیا چنین مداخله‌ای موجب ورود خسارت به ایستمن کداک شده یا خیر و اگر شده، در نتیجه آن چه خسارتی به وی قابل پرداخت است.

۶۲ - لیکن طرفین به پیروی از دستور دیوان لوایح توجیهی راجع به کلیه موضوعات پرونده شماره ۲۲۷ را تسلیم نکرده‌اند (رجوع شود به بند ۴ بالا). لذا دیوان براین نظر است که تعیین تکلیف نهایی پرونده را به هنگامی موکول کند که به طرفین فرصت کافی داده شده باشد تا ادله و مدارکی را که مایلند در تایید اظهاراتشان در مورد این موضوع بدانها استناد کنند، تسلیم نمایند.

هفتم - ادعا و ادعای متقابل مربوط به ضمانت

۶۳ - ایستمن کداک طی سندی ("ضمانت نامه") به تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۷۹ [۲۸ اسفند ماه ۱۳۵۷] بدهیهای رنگیران در برابر بانک ایران و انگلیس را حداکثر تا مبلغ ۱۰۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال تضمین کرد. تاریخ انقضای این ضمانت نامه ۳۱ مارس

۱۹۸۰ [۱۱ فروردین ماه ۱۳۵۹] بود. در تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۷۹ [اول آذر ماه ۱۳۵۸] بانک ایران و انگلیس به رنگیران اطلاع داد که "طبق مقررات و ضوابط جدید بانک مرکزی ایران، ضمانت نامه شرکت‌های خارجی برای اعطای تسهیلات اعتباری در ایران، مورد قبول بانک مرکزی ایران نمی‌باشد". از رنگیران خواسته شد "که ضمانت نامه را با ضمانت نامه متقابل یک بانک خارجی تعویض نماید". در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۹ [۲۳ آذر ماه ۱۳۵۸] ایستمن کداک در صدد برآمد که به استناد نامه مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۷۹ [اول آذر ماه ۱۳۵۸] ضمانت نامه را لغو کند. بانک ایران و انگلیس طی تلکس مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ [۲۶ آذر ماه ۱۳۵۸] و نامه تاییدی مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۷۹ [۲۸ آذر ماه ۱۳۵۸] به لغو ضمانت نامه اعتراض نمود و توضیح داد که نامه مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۷۹ [اول آذر ماه ۱۳۵۸] را نمی‌توان به عنوان سند برائت ذمه ایستمن کداک تلقی کرد، بلکه این نامه فقط درخواستی است از ایستمن کداک که به جای ضمانت نامه فعلی یک ضمانت نامه بانکی بدهد. در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۹ [۲۹ آذر ماه ۱۳۵۸] رنگیران در صدد برآمد که با تسلیم چکی به مبلغ ۴۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال بدهی حساب اعتباری را تسویه نماید. این چک که برای برداشت از حساب رنگیران نزد بانک سپه صادر شده بود، با آنکه رنگیران در آن وقت وجوه کافی جهت پرداخت آن در حسابش داشت، برگشت داده شد. به نظر می‌رسد که رنگیران در اوایل ژانویه ۱۹۸۰ کوشید تا چک را مجدداً تسلیم نماید، لکن موفق نشد. در تاریخ دهم مارس ۱۹۸۰ [۱۹ اسفند ماه ۱۳۵۹]، تصمیم مربوط به انحلال رنگیران به میان آمد. بانک ایران و انگلیس طی تلکس مورخ ۱۷ مارس ۱۹۸۰ [۲۶ اسفند ماه ۱۳۵۸] پرداخت مبلغ ۳۸،۷۴۹،۸۶۶ ریال بابت "بدهی فعلی حساب اعتباری رنگیران" را از ایستمن کداک کامپنی مطالبه کرد. ایستمن کداک، بانک ایران و انگلیس را به آقای نظام معتبر رجوع داده و اضافه کرد:

[آقای معتبر] در حال حاضر نماینده هیئت تصفیه [رنگیران] به شمار

می‌رود. از وی تقاضا شده است که از هیچ گونه همکاری با شما جهت دریافت وجوه از حسابهای بانکی رنگیران در بانک سپه و بانک ملی دریغ ننماید. موجودی این حسابها به مراتب بیشتر از میزان طلب شماست. همانطور که آگاهید، تلاشهای ما برای پرداخت طلب شما از طریق تسلیم چک، قبلاً دوبار بر اثر اقدامات کارکنان خود شما و همچنین اقدامات دادستانی کل دایر بر انسداد حسابهای بانکی [رنگیران] به ثمر نرسیده است.

۶۴ - سپس، در تاریخ ۲۱ مه ۱۹۸۰ [۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹]، اداره کل اجرای دادگاههای عمومی تهران حکم توقیف حساب رنگیران در بانک ملی را به مبلغ ۳۹،۰۰۰،۰۰۰ ریال صادر کرد. در تاریخ هفتم ژوئیه ۱۹۸۰ [۱۶ تیر ماه ۱۳۵۹] هیئت تصفیه از دادگاههای عمومی تهران تقاضا کرد که مبلغ توقیف شده را از بانک ملی وصول و مبلغ ۳۹،۰۰۰،۰۰۰ ریال به بانک ایران و انگلیس پرداخت نماید. ظاهراً این تقاضا مورد موافقت قرار نگرفت، چه سوابق پرونده حاکی است که از مبلغ مزبور در حساب بانکی رنگیران در بانک ملی بعدها در تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۸۴ [۲۱ آذر ماه ۱۳۶۳] رفع توقیف گردید. ولی، این رفع توقیف به نفع اداره امور تصفیه و ورشکستگی صورت گرفت.

۶۵ - ایستمن کداک براساس مراتب پیش گفته، اکنون می‌خواهد حکمی اعلامی دایر بر براثت ذمه کامل وی بابت آن ضمانت نامه صادر شود، به این دلیل که تعهد اصلی یا با توقیف داراییهای رنگیران در ایران ایفاء گردیده، و یا می‌توانسته با برداشت از داراییهای باقی مانده رنگیران در ایران، که تا آنجا که ایستمن کداک اطلاع دارد هنوز مشمول دستور انسداد مورخ ۱۷ نوامبر ۱۹۷۹ [۲۶ آبان ماه ۱۳۵۸] است، ایفاء شود. در هر صورت، ایستمن کداک اظهار می‌دارد که چون رنگیران دو بار با کشیدن چک از حسابهایی که موجودی کافی داشته‌اند، اقدام به پرداخت نموده، لذا باید از هرگونه مسئولیتی به عنوان ضامن، مبری شناخته شود. ایستمن کداک درخواست خود را به شق دیگری هم مطرح و تقاضا می‌کند که دیوان اعلامیه‌ای صادر نموده، و از ایران بخواهد که بدهی رنگیران به بانک ایران و

انگلیس را با پرداخت از محل موجودی حسابهای رنگیران نزد بانکهای ملی و سپه تسویه و مستهلک نماید.

۶۶ - بانک تجارت با خواسته مورد تقاضا مخالف است، به این دلیل که ضمانت نامه بدون تردید معتبر و قابل اجراست و تعهد اصلی ایفاء نشده و تقاضای پرداخت بموقع به عمل آمده است. بانک تجارت به همین دلایل ادعای متقابلی نیز جهت پرداخت بدهی رنگیران توسط ایستمن کداک به عنوان ضامن، مطرح ساخته است.

۶۷ - به عنوان یک امر مقدماتی، دیوان نمی تواند با استدلال ایستمن کداک دایر بر اینکه نامه مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۷۹ [اول آذر ماه ۱۳۵۸] بانک ایران و انگلیس در حکم لغو ضمانت نامه بوده است، موافقت کند.

۶۸ - لیکن، دیوان این مطلب را محرز می داند که متعهد اصلی، یعنی رنگیران دو بار اقدام به پرداخت بدهی خود به بانک ایران و انگلیس نموده است. این امر این حق را برای ایستمن کداک ایجاد می کند که اعلامیه ای دایر بر برائت ذمه آن بابت ضمانت نامه مورد بحث صادر گردد. گرچه در سوابق ابهاماتی در مورد مبلغ استفاده شده از اعتبار در زمانی که اقدام به پرداخت آن گردید، وجود دارد، با این حال از نظر دیوان محرز است که در هر صورت مبلغ ۴۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال پیشنهادی برای تسویه بدهی کافی بوده است. خوانندگان دلیل و مدرکی ارائه نکرده اند که رنگیران در این تاریخ ورشکسته اعلام شده یا اینکه از استفاده از موجودی در حسابهای بانکی خود منع گردیده بوده است. تنها دلیل عدم توانایی رنگیران به پرداخت بدهی خود به بانک ایران و انگلیس انسداد حسابها به دستور دادستانی کل، یعنی یک نهاد ایران، بوده است. در چنین اوضاع و احوالی، دیوان باید خواسته مورد تقاضای ایستمن کداک را اعطاء کند.

۶۹ - این تصمیم تکلیف ادعای متقابلی را که بانک تجارت علیه ایستمن کداک مطرح کرده، معین می‌کند.

۷۰ - با توجه به این تصمیم، لزومی ندارد که دیوان به شق دیگر خواسته ایستمن کداک که علیه بانک ملی و بانک سپه می‌باشد، پردازد. از آنجا که خواهانها هیچگونه ادعای خاص دیگری علیه هیچیک از این خواندگان مطرح نساخته‌اند، لذا دیوان بدینوسیله به رسیدگیهای این پرونده تا آنجا که به بانک سپه و بانک ملی مربوط می‌شود، خاتمه می‌دهد.

هشتم - هزینه‌ها

۷۱ - دیوان داوری مساعله صدور حکم راجع به هزینه‌ها را در پرونده شماره ۲۲۷ به تعیین تکلیف نهایی این پرونده موکول می‌نماید.

۷۲ - در پرونده شماره ۱۲۳۸۴، هر طرف باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

نهم - رسیدگیهای آتی

۷۳ - دیوان داوری برنامه زمانی تسلیم لوایح و ادله و مدارک توسط طرفین در خصوص سایر موضوعات این پرونده را، طی دستور جداگانه‌ای تعیین خواهد کرد. دیوان حکم نهایی خود را براساس ادله و مدارک و لوایحی که تسلیم خواهد شد، صادر خواهد کرد.

دهم - حکم

۷۴ - بنا به دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر مبادرت به صدور حکم می نماید:

الف - ادعاهای مطروحه علیه شرکت خدمات فتوگرافی رنگیران (سهامی خاص) به دلیل عدم صلاحیت، رد می شود.

ب - بدینوسیله، خواهان، ایستمن کداک کامپنی از هرگونه مسئولیت ناشی یا محتمل الوقوع از ضمانت نامه صادره در ۱۹ مارس ۱۹۷۹ [۲۸ اسفند ماه ۱۳۵۷] به نفع بانک ایران و انگلیس، که اکنون خوانده، بانک تجارت جانشین آن شده است، مبری شناخته شده و خوانده، بانک تجارت متعهد است هرگونه مطالبه وجه از ایستمن کداک بابت این ضمانت نامه را مسترد دارد.

ج - ادعای متقابل بانک تجارت علیه ایستمن کداک کامپنی مردود شناخته می شود.

د - تعیین تکلیف نهایی پرونده شماره ۲۲۷ به هنگامی موکول می شود که به طرفین فرصت داده شده باشد که ادله و مدارک مورد استناد خود در تأیید اظهاراتشان را راجع به این موضوع که آیا مداخله در حقوق مالکانه خواهان، که در اینجا قابل انتساب به خوانده، ایران تشخیص داده شده، موجب ورود زیان به ایستمن کداک کامپنی، به عنوان صاحب اکثریت سهام شرکت سهامی خدمات فتوگرافی رنگیران (سهامی خاص) گردیده یا خیر و احیاناً چه مقدار غرامت به وی قابل پرداخت می باشد، تسلیم نمایند. از اینرو، دیوان صلاحیت خود را نسبت به ادعائی که ایستمن کداک کامپنی در

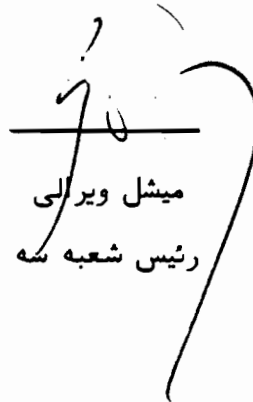
پرونده شماره ۲۲۷ به عنوان صاحب اکثریت سهام شرکت سهامی خدمات فتوگرافی رنگیران (سهامی خاص) علیه دولت ایران مطرح کرده، محفوظ نگاه می دارد.

ه - به جریان دادرسی علیه بانک ملی و بانک سپه خاتمه داده می شود.

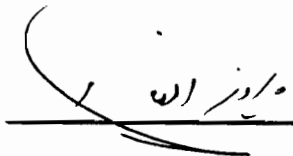
و - به جریان دادرسی پرونده شماره ۱۲۳۸۴ خاتمه داده می شود.

ز - هر یک از طرفین پرونده شماره ۱۲۳۸۴ باید هزینه های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

لاسه، به تاریخ ۲۲/۱/۱۹۸۷ برابر با ۲۲/۱/۱۳۶۶


میشل ویرالی
رئیس شعبه سه

به نام خدا



پرویز انصاری معین
موافق در قسمتی و
مخالف در قسمتی دیگر.



چارلز ان. براونر
نظر موافق و مخالف